

گذری بر مطبوعات پژوهان ایرانی

کوروش نوروزمرادی

ایران، پژوهش‌های مطبوعاتی همگام با تولید روزافزون مطبوعات حرکت نمی‌کند و نسل تربیت یافته در حوزه مطبوعات پژوهی نیز بسیار اندک‌اند.

نخستین کوشش گران

میرزا علی محمد مجیرالدوله شیبانی نایب اول وزارت انطباعات و منشی و ناظم کل دارالطباعة دوره مظفری و مشروطه را شاید بتوان اولین ایرانی‌ای دانست که نخستین بار در زمینه تحقیقات روزنامه‌نگاری ایرانی، یادداشت‌های ارزشمندی را به جای گذاشته است. یادداشت‌های مجیرالدوله از آن جهت ارزشمند است که مجموعه قضاوت‌ها و دیدگاه‌های شخصی او، در خصوص روزنامه‌های زمان حیات خود اوست و کمتر در آن نقل قول دیده می‌شود. این یادداشت‌ها در شماره‌های مختلف روزنامه ندای وطن منتشره سال‌های ۱۳۲۴-۲۶ ق. دیده شده است. میرزا عبدالمحمد چهره‌نما نیز در سال پنجم روزنامه چهره‌نما به سال ۱۳۲۶ ق. نام هشتاد روزنامه صدر مشروطه را به صورت شعر یادآور شده است. در میان بیگانگان، رایینو سرکنسول انگلیس در رشت اولین بار «صورت جراید ایران و جرایدی را که در خارج ایران به زبان فارسی از سال ۱۲۶۵ تا ۱۳۲۹ قمری منتشر شده»، در چاپخانه عروه الوثقی در رشت به چاپ رساند. ترجمه

هفتاد سال پس از انتشار نخستین نشریه ایرانی، مطبوعات‌شناسان و مطبوعات پژوهان ایرانی و خارجی برای شناسایی و معرفی مطبوعات ایرانی پا به عرصه تحقیق نهادند. از آن زمان تاکنون نزدیک به یک قرن می‌گذرد و صدها تن در این رشته قلم فرسایی کرده‌اند؛ ولی هنوز برای آگاهی از بسیاری از مطبوعات ایرانی که در لایه‌های تاریخ گم شده‌اند، نیاز به پژوهش‌های بیشتری است. از این تعداد نیز هنوز فهرست کامل و جامعی منتشر نشده و در تحلیل محتوای بسیاری از آنها هیچ تحقیقی صورت نگرفته است. چه بخواهیم و چه نخواهیم امروزه مطبوعات از منابع ردیف اول تحقیق هستند؛ مجلات، در اکثر ارجاعات، تحقیقات علمی و پژوهشی و استنادها یک منبع مهم به شمار می‌روند، و روزنامه‌ها در کنار اسناد، جزء لاینفک پژوهش‌های تاریخی محسوب می‌شوند؛ بنابراین آنچه که می‌تواند این دو را به سرمنزل مقصود برساند و مورد استفاده هر چه بهتر محققان قرار دهد، پژوهش‌های مطبوعاتی است. عدم آگاهی از این که در یک دوره تاریخی چه روزنامه‌ای نشر یافته و یا در یک موضوع علمی چه مجلاتی منتشر شده است، قطعاً منجر به پژوهش‌های ناقص خواهد شد؛ زیرا مطبوعات هر دوره در انجام پژوهش‌های تاریخی، جامعه‌شناختی و... حائز اهمیت هستند. از طرفی دیگر، مطبوعات از منابع مهم تولید علم محسوب می‌شوند. اما به نظر می‌رسد، در

۴
مجله

فرانسه همین فهرست توسط موسیو بوا در سال ۱۹۱۳ در مجله «عالم اسلام» فرانسوی انتشار یافت و این نخستین معرفی مطبوعات ایران به زبانی اروپایی است. میرزا محمدعلی خان تربیت از دیگر کسانی است که به تکمیل این فهرست کوشیده و رساله‌ای با نام ورقی از دفتر مطبوعات ایران فراهم کرده و به معرفی مطبوعات ایران تا سال ۱۳۳۰ ق. پرداخته است. بعدها فهرست رابینو، توسط سید فرید قاسمی تصحیح و با اضافاتی چند، تجدید چاپ شده است.

از دیگر کسانی که در ثبت و ضبط مطبوعات ایرانی کوشیدند، می‌توان از ادوارد براون شرق‌شناس انگلیسی نام برد که با اندکی تصحیح در رساله محمدعلی خان تربیت، مجموعه‌ای را با نام مطبوعات و ادبیات دوره مشروطه ایران در سال ۱۹۱۳ م به چاپ رسانده است. این اثر در اواخر دهه سی توسط محمدلوی عباسی و رضا صالح‌زاده ترجمه و منتشر گردید. میرزا مهدی زعیم‌الدوله مدیر روزنامه حکمت قاهره در سال ۱۹۰۷ بخشی از مطبوعات دوره مشروطیت را در مجله الهلال مصر معرفی نموده است. از نخستین افرادی که به معرفی مفصل مطبوعات ایران پرداخته، می‌توان از زنده‌یاد محمد صدر هاشمی نام برد که به معرفی مفصل ۱۱۸۶ عنوان نشریه در سال ۱۳۳۲ پرداخته است. سید حسن تقی‌زاده در روزنامه کاوه و نشریه کتابخانه ملی تبریز ایراداتی در خصوص تاریخ پیدایش روزنامه‌ها در ایران مطرح کرده که دارای اهمیت بسیاری است. از دیگر کسانی که در خصوص تاریخ روزنامه‌های ایران به صورت مفصل کوشش قابل توجهی کرده‌اند، می‌توان از زنده‌یادان دکتر محمد اسماعیل رضوانی و استاد محیط طباطبایی نام برد. فیروز هیئت، احمد رحیمی، امیر جاهد (صاحب سالنامه پارس)، عباس اقبال، پوراندخت سلطانی شیوازی، مسعود برزین، رضا صفی‌نیا، غلامحسین صالحیار و محمد گلبن از دیگر پیش‌کسوتانی هستند که تحقیقات کوتاه و مفصل در این زمینه انجام داده‌اند.

گوئل کهن، ناصرالدین پروین، سید فرید قاسمی

برجسته‌ترین و جدی‌ترین تحقیقات روزنامه‌نگاری و مطبوعات شناسی ایران پس از انقلاب اسلامی را می‌توان در آثار سه فرد یاد شده یافت:

دکتر گوئل کهن استاد ایرانی دانشگاه امپریال کالج انگلیس و با تخصص مهندسی صنایع که بسیار تمایل دارد علوم انسانی را از نگاه ریاضی بنگرد، پس از انقلاب با انتشار کتاب ارزشمند دو جلدی «تاریخ سانسور در مطبوعات ایران»، دریچه تازه‌ای در متدلوژی مطبوعات

ایران گشود. این پژوهش پس از نزدیک به دو دهه هنوز یکی از مراجع مهم سرگذشت مطبوعات ایران محسوب می‌شود. امید است مؤلف محترم در آینده نزدیک بتواند با تجدید چاپ و ویرایش دوباره این کتاب، کارهای انجام نشده و باقی مانده را به اتمام برسانند.

دکتر ناصرالدین پروین، روزنامه‌نگار پیشین ایرانی و ساکن در ژنو تاکنون توانسته به انجام یک پژوهش سترگ در زمینه تاریخ روزنامه‌نگاری ایران دست بزند: «تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان» که تاکنون دو جلد آن توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر شده است، نام بلند بالایی این مجموعه گویا هفت جلدی است. این اثر ارزشمند نیز به شیوه و سبک تاریخ جراید و مجلات صدر هاشمی کار شده است، امیدواریم خداوند به ناصرالدین پروین آنقدر عمر بدهد که تمامی مطبوعات ایران را به همین سبک مورد ارزیابی قرار دهد.

از میان کتابداران و اطلاع‌رسانان، روزنامه‌نگاری برخاست که عمر خویش را وقف مطبوعات شناسی ایران نمود؛ سید فرید قاسمی را می‌توان ده‌خدای مطبوعات ایران نامید، وی فعالیتش را در این زمینه از ربع قرن پیش، زمانی که نوجوانی بیش نبود، با جمع‌آوری مطبوعات ایران در لرستان آغاز نمود. او سپس به روزنامه‌نگاری پرداخت. شمار

**تاریخ سانسور
در مطبوعات ایران**
جلد یکم
(۱۳۵۳ هجری قمری - فرمان مشروطیت)
گوئل کهن

الکترونیکی را می‌توان مشاهده نمود. او در ایجاد موزه مطبوعات تماشگاه تاریخ ایران، نقش مهمی داشت و از یکی فعالان کمیته حفظ میراث مکتوب کتابخانه ملی در تجدید چاپ روزنامه‌های دوره ناصری و مشروطه بوده است.

راهنمای جغرافیایی مطبوعات ایران

در سال‌های اخیر آثار بسیاری منتشر شده‌اند که مطبوعات ایران را با توجه به محدوده جغرافیایی آنان نگریسته است. حسین الهی، مطبوعات سرزمین خراسان را در دو جلد تحت عنوان «روزنامه و روزنامه‌نگاری در خراسان» منتشر نمود که نقد آن نیز در همین نشریه چاپ شده است. فریدون نوزاد مطبوعات گیلان را به صورت تحلیلی و مفصل در کتاب «تاریخ جراید و مجلات گیلان» بررسی نمود؛ محمد محمدی تاریخچه مطبوعات اصفهان، محمدرضا حمیدی تاریخ مطبوعات قزوین، اسماعیل رزم‌آسا تاریخ مطبوعات کرمان، صمد سرداری‌نیا و موسی مجیدی تاریخ مطبوعات آذربایجان، حیدر محمدیان اردی تاریخ مطبوعات اردبیل، علی قشمی تاریخ مطبوعات زنجان و ... را منتشر نمودند. علاوه بر آن در نمایشگاه مطبوعات

روزنامه‌هایی که او تاکنون سمت سردبیری آن را داشته به چهارده عنوان می‌رسد. قاسمی تحصیلات دانشگاهی‌اش را در کتابداری و اطلاع‌رسانی به پایان برد و به نظر می‌رسد در این رشته فقط کتابدار کتابخانه تخصصی خویش بود؛ کتابخانه مطبوعاتی نایابی که او با کوشش شخصی و زحمات شبانه‌روزی یک تنه بنا کرد که تاکنون در هیچ نهاد و مجموعه دولتی گرد نیامده است. از مزایای پژوهش‌های سید فرید قاسمی بر مطبوعات شناسان سلف و شاید خلف آنست که او صاحب کتابخانه‌ایست که دسترسی دیگران به این مجموعه چندان آسان نبوده است، بنابراین اکثر آثار سید فرید قاسمی در این زمینه مستند به منابع درجه اول است، نه منابع درجه دوم و رونویسی از پژوهش‌های دیگران. از جهت دیگر می‌توان او را پرکارترین پژوهشگر مطبوعات ایران دانست؛ چرا که او با بیش از پنجاه کتاب و حدود چهارصد مقاله تخصصی در زمینه مطبوعات ایران تقریباً نیمی از کل پژوهش‌های انجام شده در عرصه مطبوعات ایران را یک تنه انجام داده است. در میان آثار ایشان از هرگونه سبک و شیوه‌ای از جمله تک‌نگاری، موضوعی‌نگاری، مفصل‌نگاری، مختصرنگاری و تصحیح، راهنمانویسی، چکیده‌نویسی، نمایه‌سازی، روزنامه‌نگاری، و مطبوعات

شناسنامه
مطبوعات ایران
از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی
گرد آورنده
مسعود برزین

از «نشریات ویژه زنان» تألیف صدیقه بیران؛ «راهنمای مطبوعات آرامنه ایران» اثر لئون میناسیان؛ «مطبوعات کودک و نوجوان» تألیف علی کاشفی خوانساری، «نشریات فارسی زبان مهاجران افغانستانی» به کوشش معین الدین محرابی، و «راهنمای مطبوعات اسلامی» تدوین نگارنده این سطور و «نگاهی به مطبوعات فکاهی ایران»، اثر غلامحسین مراقبی نام برد. به هر حال در ایران در زمینه پژوهش های موضوعی مطبوعات بسیار کم کار شده و همان کارهای اندک هم کاربردی نیست. امید است با توجه به نیازی که در این زمینه احساس می شود، پژوهشگران بتوانند این خلأ ملموس را به نحو شایسته ای پر نمایند.

فهرست مشترک مطبوعات ایران

نخستین فهرست مشترک نشریات فارسی توسط علی تمیزی و از سوی سازمان مدارک علمی در سال ۱۳۵۶ منتشر شد. در همین سال نخستین فهرست مشترک مطبوعات لاتین موجود در ایران را دانشگاه آذربادگان منتشر ساخت. اما نخستین فهرست مشترکی که یک دوره تاریخی را مورد پوشش قرار داده و از نظر کاربردی برخلاف آثار پیش یاد شده، از کاربردی ترین فهرست های مشترک نشریات ایران به حساب می آید، همانا «کتاب راهنمای مطبوعات ایران دوره قاجار»



سال های اخیر جزواتی با عناوین «آشنایی با نشریات محلی استان...» توسط غرفه های اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان های مختلف انتشار یافت که تا حد معرفی توصیفی به مطبوعات شهرهای مختلف ایران پرداخته است. در فهرست های اخیر اشتباهات فاحشی دیده می شود که جا دارد در ویرایش بعدی این فهرست ها از صاحبان فن کمک بگیرند. از جمله این فهرست های مهم جغرافیایی، می توان به فهرست مهدی جعفری خانقاه با عنوان «مطبوعات فارسی زبان در قاره آسیا و قفقاز» و همچنین «شناسنامه مطبوعات فارسی زبان خارج از کشور ۱۳۵۷.۷۷» توسط مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، اشاره کرد.

راهنمای موضوعی مطبوعات ایران

مقصود از راهنمای موضوعی، راهنمایی است که برای قشری خاص و یا موضوع ویژه ای تدوین شده است. بیشتر این راهنماها به صورت سلسله مقالات در مطبوعات منتشر می شوند. به عنوان نمونه می توان سلسله مقالات سید فرید قاسمی را در زمینه مطبوعات موضوعی منتشره در مجله رسانه و یا مقالاتی تحت عنوان کرونولوژی مطبوعات مختلف که توسط نگارنده در مجله پیام بهارستان به چاپ رسیده، نام برد. از کتاب هایی که به طور مستقل در این زمینه منتشر شده، می توان



اثر سید فرید قاسمی است. این راهنما، موجودی نشریات قاجار در چهار مرکز مهم نشریات ایران را ارائه داده است، ولی روزآمد شدن و ویرایش مجدد این راهنما لازم و ضروری به نظر می‌رسد. «راهنمای مطبوعات اسلامی فهرستگان یکصد سال نشریات ایران و ایرانیان» اثر نگارنده نیز شاید آخرین فهرستگان منتشره از مطبوعات ایران تا این زمان باشد؛ در این راهنما موجودی نشریات اسلامی هشت کتابخانه ارائه گردیده است.

راهنماهای دوره تاریخی مطبوعات ایران

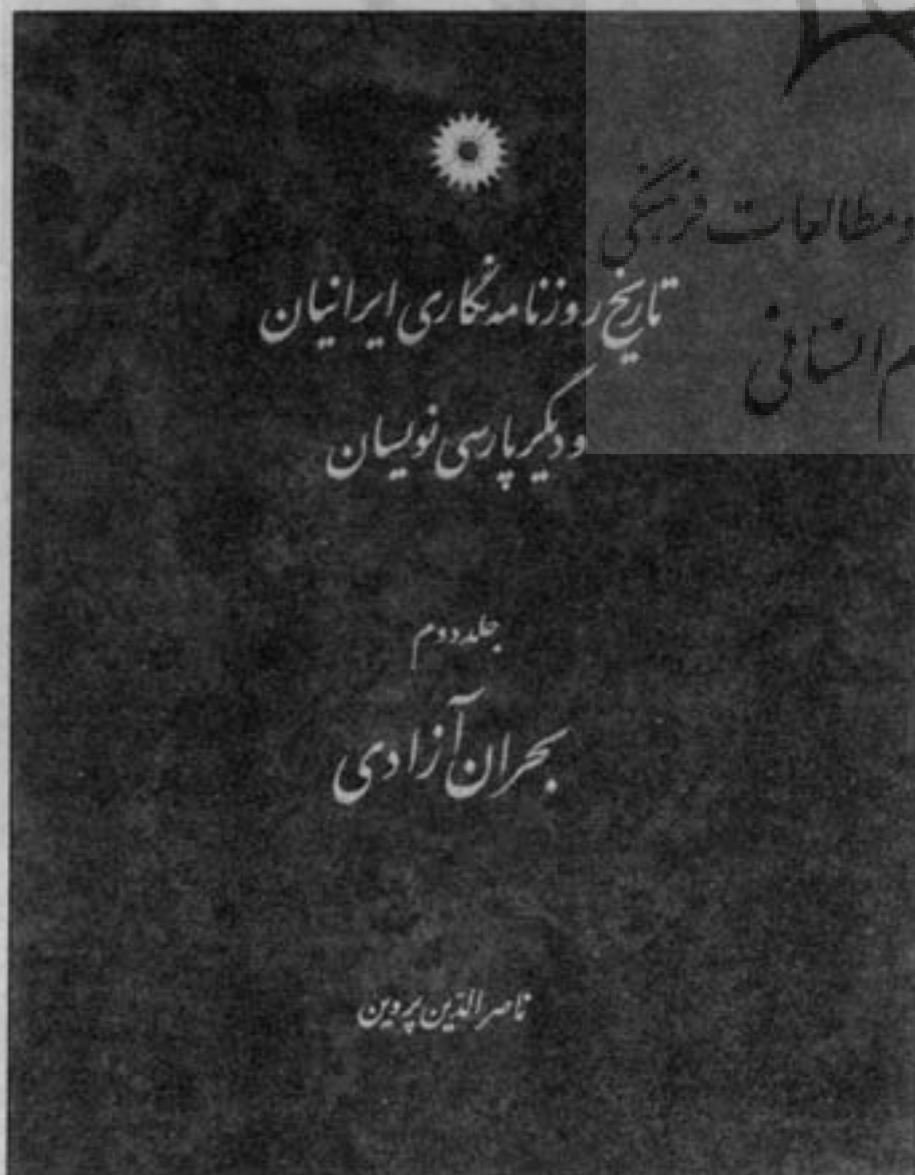
بیشتر سرآمدان مطبوعات‌شناس ایران، جراید و مجلات ایرانی را به صورت دوره تاریخی بررسی نموده‌اند. اشکالی که بر این شیوه وارد است، آن است که هیچ کدام‌شان وضعیت نشر مطبوعات را به صورت ماهانه و سالانه مورد بررسی و مطالعه قرار نداده‌اند. طرح گزارش نشر مطبوعات به شکل ماهانه و سالانه مشکل بسیاری از پژوهشگران را حل خواهد کرد. به شرط آن که آرشیوها نیز کارآمد باشند و از نظر مجموعه‌سازی هماهنگ با فهرست‌ها باشند. اما واقعیت آن است که این راهنماها نتوانسته‌اند مطبوعات ایران را برحسب زمان فهرست نمایند و نیز آرشیوهای ایران نتوانسته‌اند که جایگاه محکمی برای تمامی مطبوعات کم‌عمر، توقیف شده و ناپایدار

فارسی زبان باشند؛ ضمن آن که دادن گزارش نشر مطبوعات به صورت ماهانه در سراسر کشور کار دشواری است و نیاز به مستندات مکتوب دارد. این کار علاوه بر آن که نام‌بسیاری از نشریات گم شده را زنده می‌کند، تا حدودی می‌تواند سرنخ‌هایی برای پژوهش‌های علمی و تاریخی باشد. نکته دیگری که می‌توان درباره تاریخ‌نگاری و فهرست‌نگاری این راهنماها نوشت آن است که بیشتر پژوهشگران، کارشان را از سر آغاز روزنامه‌نگاری، برمی‌گزینند و از آنجا که گستره کار بسیار زیاد است آن را تا میانه راه بیشتر ادامه نداده و در نتیجه کار در مواردی از نظر فراگیری همه ادوار تاریخی و در موارد دیگر، از نظر جامعیت اطلاعاتی ابتر مانده است.

ادوارد براون، رابینو، محمدعلی تربیت، مسعود برزین، محمد صدر هاشمی، سید فرید قاسمی، محیط طباطبایی، الول ساتن، گوئل کهن، ناصرالدین پروین، پوری سلطانی، رضا اقتدار، پروین ابوالضیاء، سید محمد صدری طباطبایی نائینی و . . . از کسانی‌اند که در این زمینه اثر یا آثار مستقل دارند.

فهرست موجودی نشریات کتابخانه‌ها

کتابخانه ملی تاکنون چند جلد از این فهرست‌ها را منتشر نموده و هر جلد به صورت پراکنده گوشه‌ای از موجودی نشریات کتابخانه ملی را نشان داده است. اما اشکالی که می‌توان در آن دید، عدم یکپارچگی،



آذربایجان در سال‌های گذشته منتشر شده که موجودی بخشی از مطبوعات ایرانی را در این کشورها نشان داده است.

اسناد مطبوعاتی ایران

انتشار اسناد مطبوعات ایران نه تنها برای تاریخ مطبوعات ایران، بلکه برای تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران نیز دارای اهمیت ویژه‌ای است. در میان این دسته از آثار، اسناد سازمان اسناد ملی تا سال ۱۳۲۰ش. توسط کاوه بیات و مسعود کوهستانی نژاد در دو جلد و سال‌های ۳۲-۱۳۲۰ش. توسط غلامرضا سلامی و محسن روستایی در دو جلد منتشر شده است. در این زمینه بخشی از اسناد آرشیو ریاست جمهوری به وسیله معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی به کوشش علیرضا اسماعیلی و بخشی از اسناد مطبوعات به روایت اسناد ساواک به همت مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات منتشر شده است. بنابراین می‌توان دریافت که حجم زیادی از اسناد مطبوعاتی آرشیوهای مهم دیگر هنوز منتشر نشده است. امید است در آینده نزدیک این اسناد نیز به صورت روشمند و علمی منتشر گردند.

عدم روزآمدی، و عدم دقت آنها است. به هر حال دانشورانی چون: بیژن سرتیپ‌زاده، کبری خداپرست، احمد صباگردی مقدم، فاطمه خورشیدی در این زمینه کوشش‌های ستودنی نموده‌اند. در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مرتضی سلطانی، ولی مراد صادقی نسب و در مرکز مدارک علمی باقر مومنی، جلال مساوات، علی عطفی، شهین اسفندیاری، برای کتابخانه مجلس سنا کاری به مراتب دقیق و علمی‌تر در این زمینه در تهران انجام داده‌اند. در شهرستان‌ها، لیلا سودبخش فهرست نشریات ادواری کتابخانه مرکزی فارس را در سال ۱۳۶۸ منتشر نمود، که می‌توان گفت یکی از بهترین و مفصل‌ترین فهرست‌های نشریات ایران است. ادامه کار ایشان را در همین کتابخانه، خلیل مقدم پی گرفته است. در کتابخانه ابن مسکویه اصفهان، فروغ‌الزمان نوری و در کتابخانه آستان قدس رضوی، رمضانعلی اسماعیل‌پور قوچانی فهرست موجودی این کتابخانه‌ها را تهیه نموده‌اند. گویا فهرست جدیدتری از کتابخانه آستان قدس رضوی توسط خانم طاهره مهاجرزاده در دست تدوین است که امید است به زودی منتشر گردد. در خارج از ایران نیز گویا تاکنون سه فهرست از مطبوعات فارسی در کتابخانه‌های انگلیس و آمریکا و جمهوری

